

## مقدمه

طاهره دانش

صنم وکیل

مساله زنان و حقوق و نقش شان در اجتماع پیشرو و مرکز سیاست های جمهوری اسلامی ایران از انقلاب سال 1979 بوده است. زنان در میان گروه های بی شماری هستند که انقلاب سرنگون کننده سلطنت بلند مدت پهلوی را حمایت کردند، با این باور که سیستم سیاسی و دولت بعد از آن، بازتاب کننده توان افزایی سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی رشد آنان خواهد بود. هر چند با توجه به ترس بسیاری از زنان، دولت سیاسی پست انقلابی ریشه در تفسیر خاصی از شریعت یا قانون اسلامی به وسیله رهبر انقلاب دارد. چنین تفسیری نشان می دهد که در فضای عمومی و خصوصی، دسترسی زنان به حقوق شان به وسیله مردان تعیین می شود. علاوه بر این، مدل ظاهر زنان را به عنوان نمادی از جمهوری خود در نظر می گیرد. در واقع در انقلاب فرهنگی متعاقب آن در سال 1981 جمهوری اسلامی شروع به رسمی کردن حقوق زنان به عنوان حقوق ثانوی نسبت به مردان کرد، در نتیجه بر نقش زنان در ایران امروز تاثیر گذاشته است.

سیاست جنسی دولت در میان ارکان ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی قرار دارد. همینطور مسائل آزادی خواهی جنسی تبدیل به نخستین چالش برای زنانی شده است که به دنبال حقوق بیشتری هستند و تهدیدی جدی برای دولت است. در سلطنت پهلوی، از جنسیت برای ارتقا کمپین های مدرنیزاسیون و غرب گرایی شاه استفاده می شد، به طوری که وارد شدن زنان ایرانی برای پروژه ایرانی مدرن حیاتی بود. در سال 1961 به عنوان بخشی از انقلاب سفید مدرنیزاسیون شاه، حق رای به زنان اعطا شد. چهار سال بعد در 1967 قانون حمایت از خانواده برای فراهم کردن حق طلاق، سرپرستی، و ازدواج زنان اجرا شد.<sup>1</sup>

بر خلاف این پیشرفت های قانونی زنان همچنان از محدودیت های فرهنگی، اسلامی، پدرسالارانه، و اقتصادی رنج می کشند. علاوه بر این شاه نتوانست حمایت خود را در میان زنان سنتی بسط دهد. در مقابل، آیت الله روح الله خمینی مساله زنان را در میان مسائل دیگر اتخاذ کرد تا سیاست های ضد اسلامی شاه را به چالش بکشد و به اقدامات شاه برچسب غرب زدگی او نسبت به ملت ایران را بچسباند. توانایی خمینی برای متصل شدن به احساسات سنتی ریشه دار مردم، شامل زنان تحصیل کرده، برای او پایه ای قوی از حمایت از زمان تبعیدش در 1963 را فراهم کرد. به خاطر حوزه انتخاباتی زنانه گسترده، خمینی جایگاه خود را به مشارکت سیاسی زنانه برگرداند.<sup>2</sup> هر چند در همان زمان، قوانین اسلامی مربوط به زنان بر خلاف دستاورد های طولانی به دست آمده تحت رژیم سلطنتی تقویت شدند. در نهایت، دولت پست انقلابی، سیاست های جنسی متناقضی که به وسیله مارک خاصی از تفسیر دینی و ملاحظات عملی سیاسی هدایت می شد، تاسیس کرد. در سال 1983 زنان مجبور به پوشیدن حجاب اسلامی اجباری بودند که باعث تفکیک جنسی جمعی می شد، دسترسی به اشتغال در حرفه های خاص مانند قضاوت را رد می کرد، و آنان را مجبور می کرد تا وضعیت قانونی تبعیض آمیز مربوط به حق ازدواج، طلاق، وراثت، و سرپرستی را بپذیرند.<sup>3</sup>

در حصار جمهوری اسلامی، از جنسیت برای رسیدن به اهداف ایدئولوژیکی استقلال مربوط به انقلاب استفاده می شد. اسلام و حکومت اسلامی اجتماع مکانیزم هایی برای این پیام بودند. در نتیجه، زنان تبدیل به مدافعان نمادین از روح انقلابی شدند، در حالی که دولت هویتی مربوط به نقش زنان به عنوان همسر و مادر برای دفاع از ارزش های اسلامی که به وسیله انقلاب محکم شده است را ساخت. هم زمان، در حالی که زنان در کنار مردان در تظاهرات سیاسی، دانشگاه ها و فضای کار ظاهر شدند، تصویر زنان انقلاب اسلامی نیز برای هدف دولت به کار گرفته شد. به دلیل این که جنسیت به طور تنگاتنگی به مشروعیت سیاسی و ایدئولوژیکی دولت مربوط است، جمهوری اسلامی سیاست های جنسیتی متناقضی را ایجاد کرد که نشی در قلب سازمان مربوط به نقش حقوق زنان را بازتاب می کند. یک نتیجه طرح جانوس بود که با سیاست جنسی که در نهایت مانع تساوی زنان و پیشبرد ارائه فرصت های محدود برای زنان به منظور شکوفا شدن در چشم انداز در حال تغییر ایران، روبرو شده است.

\*\*\*

در طول 37 سال گذشته، جامعه ایرانی به تدریج تغییر کرد و شباهت کوچکی به انتظارات رهبری جمهوری اسلامی را تاب آورد. دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی داخلی و خارجی، آگاهی بیشتر، انعطاف پذیری، و فعالیت در میان زنان و دختران را انگیزه بخشیده است. "هدیه جمعی" دوره پست انقلابی در مضاعف کردن جمعیت به 71 میلیون و به طور مشخص تر افزایش جمعیت جوان نتیجه داد.<sup>4</sup> به عنوان انعکاس نرخ 85 درصدی جمعیت با سواد ایران که بالاترین نرخ در کشورهای اسلامی است، ایرانیان جوان بسیار بهتر از نسل‌های قبل تحصیل کرده‌اند.<sup>5</sup> با این حال، کمتر از یک نفر در سه نفر می‌توانند انقلاب را به یاد آورند، و جوانان به شکل نامتناسبی از شکست‌های رژیم رنج می‌برند. بیکاری، تورم، شهرنشینی، و انتقال‌های جمعیتی فشاری به دولت و جامعه وارد ساخته است. علاوه بر این، تحصیلات تبعیض‌آمیز و سیاست‌های کاری که مردان را بر زنان و دختران ترجیح می‌دهد و با ارزش‌های فرهنگی در جامعه پدرسالار ایران همراه شده است، به تدریج رشد زنان در محیط جامعه را عقب می‌راند.

تاریخچه جنبش زنان ایرانی به طور تنگاتنگی با انقلاب مدرن در ایران در هم تنیده شده است، که شامل انقلاب 1979 که در شکل دهی جمهوری اسلامی به اوج خود رسید نیز می‌شود. برای بیش از سه دهه این جنبش از طریق مراحل مختلف رشد و بلوغ پیش رفته است. به موازات جنبش طرفداری از حق رای زنان در غرب، ریشه‌های خود را در تغییرات اجتماعی و سیاسی داخلی می‌یابد که برای تقریباً دو قرن زنان جلودار تحصیل، بهسازی، و نوآوری درگیر با نرم‌های سیاسی، اجتماعی، و دینی در جستجو برای تساوی و دیده شدن بیشتر بوده‌اند. با وجود اینکه در آغاز انقلاب، زنان به خاطر گرایش‌های ایدئولوژیکی و سیاسی خود جدا می‌شدند، اکنون این تفاوت‌ها را با یافتن زمینه مشترک نزدیک تری در تلاش برای ساختن جبهه متحد و موثر زنان به منظور شکوفایی علت تساوی جنسیتی کنار گذاشته‌اند.

## زنان و انقلاب: پویایی کشمکش قدرت

در طول سه دهه، مبارزه برای برابری جنسیتی کشمکشی دشوار بوده است، زیرا دولت ایدئولوژی علیه دستور کار سیاسی را تعدیل کرده بود. فعالان حقوق زنان برای جبران نابرابری جنسیتی از طریق رویکردی تدریجی و مسالمانه به مساله جنگیده‌اند. به زودی، برای حفظ حمایت زنان، به آنان حق رای داده شد. در اولین انتخابات مجلس که در سال 1980 برگزار شد، چهار زن برای دفتر جمعی انتخاب شدند. با وجود تعداد کم، حضور زنان برای مشروعیت رژیم حیاتی بود. در تمام انتخابات بعدی پارلمان، زنان همچنان صندلی‌های سیاسی را اخذ می‌کردند.

در طول جنگ ایران - عراق (1980-88) زنان نیز تشویق به تحصیل می‌شدند و به طور برابری برای معاش اقتصادی بسیاری از خانواده‌ها مهم بودند.<sup>6</sup> خمینی با ارائه اصلاحات برای تفسیر قانون شریعت جمهوری اسلامی، با اجازه دادن به بیوه‌ها برای داشتن سرپرستی فرزندان شان به جای دادن آن‌ها به خانواده پدری، زنان را در برابر حمایت سیاسی شان آرام کرد.<sup>7</sup> همچنین قانون کار 1987 با دادن حقوق بیشتری به زنان مربوط به مرخصی زایمان، نگهداری از کودک، سلامت، و امنیت اصلاح شد.<sup>8</sup> دو سال بعد، قانون طلاق نیز اصلاح شد.

ریاست جمهوری رفسنجانی (1989-1997) شاهد انتقالی از اقتصاد جنگ زده به اقتصاد یکپارچه بود. این تغییرات سیاسی زنان را نیز تحت تاثیر قرار داد. در میان مهم‌ترین آن‌ها تلاش دولت برای محدود کردن رشد جمعیت بود. یک دستاورد قابل توجه سیاست رفسنجانی اجرای برنامه‌های طراحی شده برای کاهش نرخ باروری ملی از 5.6 در 1980 به 2 در 2009 بود.<sup>9</sup> همچنین آزادسازی وسیع تر اجتماعی و فرهنگی در طول این دوره برقرار شد و راه را برای تولد مجله‌ها و نشریاتی مانند زنان که در سال 1992 شروع به انتشار کرد و بعداً در سال 2008 بسته شد باز کرد. به علاوه، مقالاتی به وسیله زنان و مردان که گزارش‌هایی بر تابوهای اجتماعی و فرهنگی شامل ابتکارات ورزشی زنان، ازدواج‌های موقت، مواد مخدر، تن‌فروشی، چند همسری، و حقوق قانونی و سیاسی مینوشتند، منتشر شدند.<sup>10</sup> تاثیر بسیار اندک این نشریات گسترش نامحسوس آگاهی جنسی، مشابه قبل به جای ایران پست انقلابی بود.

در میان این جو سیاسی، زنان - چه متدین و چه سکولار - فرصتی برای اثبات خود یافتند. فمینیست‌های اسلامی قادر بودند تا کمپین‌هایی برای حقوق زنان به شیوه‌ای آشکار راه بیندازند. آن‌ها با استفاده از فضای سیاسی باز تر بعد از جنگ ایران - عراق، تلاش‌هایی مشترک برای فشار بر سیاست‌گذاران به منظور رفع موانع بر حقوق قانونی زنان انجام دادند. تا سال 1995، زنان بار دیگر اجازه یافتند تا به عنوان قضات مشاور خدمت کنند. در 1997، محمد خاتمی با حمایت بی‌نظیر زنان انتخاب شد. با انتخابات مجلس اصلاحات ششم (2000-2004) با

انتخاب 13 نماینده زن، زنان اختیار سیاسی بیشتری کسب کردند.<sup>11</sup> به وسیله حضورشان و با فشار روزافزون، دوباره تلاشی برای معکوس کردن محدودیت های قانونی بر تساوی جنسی انجام شد. شواهد قانونی به دست آمده در نقض ممنوعیت تحصیل بر دانشجویان زن با شکست های مربوط به مصوبه پیمان نامه سازمان ملل برای رفع تبعیض علیه زنان (CEDAW) به وسیله شورای نگهبان چند برابر شد.

به هر حال، انتخاب محدود احمدی نژاد در انتخابات سال 2005 به عنوان رئیس جمهور منجر به سرکوب جامعه مدنی شد که از طرق مختلفی بر زنان تاثیر گذاشت. دولت با علامت دهی یک تغییر، نام مرکز مشارکت زنان را به مرکز امور زنان و خانواده تغییر داد. در سال 2008، دولت وارد مذاکره شد اما در گذراندن یک قانون بحث برانگیز که چند همسری را مجاز میکند شکست خورد.<sup>12</sup> در جواب، فعالان مرد و زن به کمپین یک میلیون امضا پیوستند که به وسیله یک مدل همه پرسی مانند، از اقدام مشترک برای بالا بردن آگاهی عمومی و اعمال فشار بر دولت برای اجرای اصلاحات بر قوانین جنسیتی دنبال شد. این کمپین توجه عمومی زیادی به وجود آورد، اما همچنین دولت را برای سرکوبی شدید فعالان از طریق دستگیری و بازداشت برانگیخت.<sup>13</sup> کمپین های دیگری مانند متوقف کردن سنگسار، تمام مدل های خشونت علیه زنان و کمپین روسری های سفید علیه تفکیک جنسیتی در استادیوم های فوتبال نیز در حدود این زمان ظاهر شدند.

انتخابات ریاست جمهوری 2009 و تحولات بعد از انتخابات، تغییراتی زمین ساختی در چشم انداز داخلی ایران ایجاد کرد. در میان التهاب انتخابات، زنان بار دیگر شرکت کنندگان برجسته بودند. پیش از انتخابات، فعالان زن از تمام رنگ ها گرد آمدند تا یک جبهه و سکوی جنسیتی متحد تشکیل دهند. با این حال، نتیجه رقابتی انتخابات در چرخه تظاهرات عمومی و سرکوب دولت، زنان ایرانی و اجتماع را در سطح عمده ای ویران ساخت. زنان با هزاران رای همانند اثبات تحولات بعد از انتخاباتی شناخته شدند. آن ها به طور برابری شامل سرکوب بعد از انتخاباتی حکومت که پیش آمد نیز بودند. در نتیجه انتخابات، احمدی نژاد اولین رئیس جمهور ایرانی بود که یک عضو زن کابینه را برای پست وزیر بهداشت منصوب کرد.<sup>14</sup> شاخص بحث برانگیز دیگری که در سال 2012 اجرا شد به دنبال محدود کردن زنان برای تحصیل در 77 رشته دانشگاهی مشخص از 36 دانشگاه دولتی در سطح کشور بود. حکومت این تغییرات را به عنوان بخشی از تلاش هایش برای تحمیل سهمیه جنسی در سیستم دانشگاهی به نفع مردان توجیه کرد.

انتخابات حسن روحانی در سال 2013 امید جدیدی برای زنان ایجاد کرد. روحانی در میان وعده های کمپینی اش، متعهد شد که بن بست هسته ای ایران با غرب را حل کند، به جو امنیتی سرکوب کننده موجود پایان دهد، محدودیت های زنان در تحصیلات عالی را برطرف کند، سیاست های تفکیک جنسیتی را از بین ببرد و در نتیجه متعهد شد که فرصت ها و مشاغل بیشتری را برای زنان ایجاد کند، و چند وزیر زن را برای حمایت از برابری جنسیتی انتخاب کند. تا به امروز، او دو زن را برای کابینه خود انتخاب کرده و همچنین اولین زن سفیر ایران را برگزیده است. توافق هسته ای با موفقیت در 16 ژانویه 2016 برای برداشتن تحریم ها و وعده فرصت های اقتصادی بهتر امضا شد. بعد از انتخابات مجلس و اوج چندین کمپین، شامل کمپین ملی به وسیله فعالان محلی به نام "کمپین تغییر چهره مردانه مجلس" با چهار برابر شدن تعداد کاندیدا های زن و افزایش دو جانبه تعداد نمایندگان فرا رسید. بر خلاف تمام این ها، جو داخلی همچنان بسته ماند و افزایش حمله به زنان در فضا های عمومی، سیاست دورانی بازداشت ها و بازجویی های فعالان، و تبعیض بیشتر علیه اقلیت های دینی و قومی، همراه با فشار بر زنان برای رعایت قوانین محدود کننده، حاکی از آن است که چشم انداز بعدی برای اصلاحات موضوع جنسیت در بهترین شکل محدود می ماند.

با افزایش سیاست ها و لویایح ضد زن در طول چند ماه که وابسته یا کنترل شده توسط سپاه پاسداران جمهوری اسلامی بودند، و با دستگیری نمادین دو زن دو ملیته ایرانی از کانادا و انگلستان، هما هودفر و نازنین زاغری-رتکلیف که بیشتر شده بود، وضعیت حقوق بشر زنان در ایران به فاز جدیدی وارد شد.<sup>15</sup> این فاز، که به وسیله منابعی به توطئه فمینیست ها علیه هسته ارزش های انقلاب اسلامی برانگیخته شده، به پویایی پیچیده ای حول کشمکش قدرت بین خواسته زنان برای حقوق بشر و سیاست های جمهوری اسلامی نسبت به حقوق بشر به طور کل و به طور خاص تر حقوق بشر زنان اشاره می کند. با چند معیار، پیچیدگی در حال افزایش این کشمکش ممکن است علامتی برای این احتمال باشد که در جامعه ایران زنان بیشترین تهدید موجود قابل رویت برای جمهوری اسلامی و دولت ریشه دار آن هستند - هر توافقی بر حقوق زنان نهایتاً توافقی بر ایدئولوژی پایه دولت است.

به این دلیل است که مساله کنونی بررسی متمرکز بر زنان و حقوق بشر در ایران است. در این پیوستگی در سیر تکاملی حقوق بشر زنان، فعالان در ایران نقشی حیاتی نه فقط برای زنان در دسترسی به حقوق شان، بلکه در حقیقت برای فرایند و تعریف فعالیت برای تمام آن هایی که به حقوق بشر علاقه مندند بازی می کنند. به عبارت دیگر، زنان مسئولیت پیشبرد مرزها و وسایل دسترسی حقوق بشر برای و به وسیله تمام ایرانیان را، به دوش می کشند.

بر خلاف این موانع و چالش های بحرانی، زنان ایرانی باید نشانه های رشد مشاهده شده در فعالیت هایشان را جشن بگیرند. با وجود این که امروزه به خاطر سرکوبی های دولت، فعالیت عمدتاً به جای آنکه به وسیله جنبش های فعالیت در مقیاس بزرگ هدایت شود، فردی و غیر رسمی باقی می ماند، پیشرفت به وسیله همکاری های گسترده و بزرگ قابل مشاهده است. از همه مهم تر اتحاد روزافزونی است که در تلاش های مشارکتی زنانی از پیشینه های ایدئولوژیکی، سیاسی، و دینی مختلف دیده می شود. زنان چه متدین و چه سکولار نمی خواهند که به عقب رانده شوند. در واقع، هر دو گروه به جستجوی نقش فعالی برای زنان در تمام جنبه های اجتماع هستند، هر چند که شاید در سطوح گوناگونی باشد. همچنان که زنان به تلاش برای تغییر و تساوی بیشتر ادامه می دهند، ساختمان بنا شده بر این مومنتوم وحدت برای پیشبرد منابع مشترک زنان و مسائل اساسی حقوق بشر حیاتی می باشد.

به این دلیل است که مقالات این شماره، آرایه های متنوعی از نظریه ها درباره جبهه های قانونی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی بر چالش هایی که بر زنان و دختران در ایران امروز تاثیر می گذارند را بازتاب می کند. به هر صورت، مقالات بر چیزی مشترک تمرکز دارند که مساله زنان و حقوق بشر برای توسعه آینده دولت و اجتماع ایران در صدر می ماند. در سمت دولت، تغییرات قوانین باید با نیاز برای تساوی جنسیتی مبارزه کند. در سمت جامعه ایرانی، فعالیت زنان و درگیری آن ها در مسیر خود است. با برداشتن شخصیت های نمادین جنبش در ایران، با توجه به دستگیری ها و مهاجرت از کشور بعد از تحولات بعد از انتخاباتی 2009، زنان در ایران و خارج از کشور، باید گفتمان شان برای روابط متقابل، بین آگاهی بیشتر منازعه مشترک شان برای حقوق بشر و تنوعی که رویکردشان به فعالیت را غنی می کند بشناسند، بالا ببرند، و رشد دهند.

بر اساس یافته ها در این رابطه، و برای محافظت و پیشبرد حقوق زنان و دختران از تمام پیشینه ها در ایران، توصیه های سیاسی ذیل ارائه می شود:

برای قدرت های انگلستان و اتحادیه اروپا:

- نمایندگی اتحادیه اروپا در ایران برای دسترسی به گزارش ها و مصاحبه های انجام شده توسط جمعیت پراکنده داخل کشور و همینطور ذی نفعان، به منظور به دست آوردن فهمی واقع بینانه از وضعیت زنان و دختران در ایران.
- تاسیس گروه های کاری بین اتحادیه اروپا و مقامات قضایی جمهوری اسلامی برای اشاره به وضعیت زنان و دختران در ایران به وسیله همکاری چند جانبه.
- اشاره به حقوق شهروندی زنان در ایران در توافق های چند جانبه و حمایت مقامات جمهوری اسلامی برای اجرای لوازم لازم به منظور محافظت و ارتقای سطح.
- گفتگوی آغازین و مداوم بر نقش زنان در ایجاد امنیت در منطقه مناسبت همکاری ها و تبادلات چند جانبه.
- شامل شدن دسترسی زنان به کار و حقوق منصفانه در توافقات چند جانبه با ایران.
- اولویت های مالی متمرکز بر NGO ها و سازمان های بین المللی برای ارتقا سطح تحصیل و پیشرفت برای زنان و دختران در ایران، جامعه منطقه ای و جهانی در صف صورت جلسه 2030.

برای NGO های بین المللی:

- ایجاد برنامه های تحصیلات و توان افزایی متمرکز بر تمام سه بخش اقتصادی ایران با هدف زنان جوان و دختران در جوامع روستایی و مرزی در ایران.
- ایجاد گفتگوی مستمر با سازمان ملل و آژانس ها و ابزار آن، با تمرکز بر دسترسی در حال رشد به حقوق بشر و حقوق مدنی میان زنان و دختران در ایران.
- اداره کمپین بین المللی به منظور اصرار به جمهوری اسلامی ایران برای امضای توافق نامه رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) بدون هیچ تبصره ای.
- پیش برد کمپین های تحصیلی و اطلاعاتی برای رشد فهم زنان و دختران از نقش شان در ایجاد فضا های بدون خشونت در ایران.

برای جمهوری اسلامی ایران:

- تصویب توافق نامه رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) بدون هیچ تبصره ای.
- تغییر ساختار سیاست هایی که از دسترسی به حقوق و خدمات تحت شرایطی که هم اکنون استفاده از چادر به عنوان شکل مقبول تر حجاب در بیمارستان ها، کلینیک ها، دانشگاه ها، مدارس، دفاتر، و فضا های عمومی دیگر است، جلوگیری می کند.
- بالا بردن سن حداقل ازدواج به 18 سال برای تمام دختران و زنان.
- اتخاذ معیار های مناسب برای حفاظت از حقوق زنان و دختران آسیب پذیر در فضا های عمومی که قوانین حجاب اسلامی اعمال نشوند، شامل افراد با پیشینه های اقلیت (مسیحی، یهودی، زرتشتی، بهایی) یا دختران زیر 9 سال قمری (8 سال و 7 ماه).
- تضمین دسترسی برابر به تمام رشته های تحصیلی و کار برای تمام زنان و دختران، به خصوص آن هایی که در اقلیت قومی یا دینی قرار دارند.
- افزایش منابع و ادامه تقویت همکاری بین دولت و موسسات جامعه مدنی با تمرکز بر پیشرفت حقوق زنان در توافق با قانون اساسی بین المللی.
- تسریع و تضمین اجرای تمام ماده های توافقنامه حقوق کودک و سه پیش نویس آن برای سیاست ها و کد های ملی که دختر بچه ها از تمام پیشینه ها را تحت تاثیر قرار می دهند.

پی نوشت

<sup>1</sup> پایدار، پروین. زنان در فرایند سیاسی قرن بیستم ایران، کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج، 1995

<sup>2</sup> همان منبع

<sup>3</sup> کیان، آزاده "زنان و سیاست در ایران پست اسلامی: مسیر تغییر آگاهی جنسی"، مجله انگلیسی استودیوی خاورمیانه، شماره 24، شماره اول، 1997، انتشار قبلی 75-96.

<sup>4</sup> مرکز آمار ایران

<sup>5</sup> سرشماری ملی ایران از جمعیت و مسکن، 2006

<sup>6</sup> روزنامه کیهان، 7 آپریل 1980.

<sup>7</sup> روزنامه اتحاد، 23 ژانویه 1985.

<sup>8</sup> روزنامه اتحاد، 24 اکتبر 1987.

- <sup>9</sup> اسفندیاری، هاله. "جنبش زنان" مبانی ایران: قدرت، سیاست، و سیاست آمریکا، رایین رایت، USIPT 2011
- <sup>10</sup> "سرکوب زنان" نیویورک تایمز، 7 فوریه 2008.
- <sup>11</sup> کیان، آزاده، "زنان و سیاست در ایران پست اسلامی: مسیر تغییر آگاهی جنسیت" مجله انگلیسی استودیوی خاورمیانه، شماره 24، شماره اول، 1997، انتشار قبلی 96-75.
- <sup>12</sup> "فعالان زنان ایران پیروزی را در لایحه چند همسری میبینند"، رویترز، 2 سپتامبر 2008
- <sup>13</sup> فتحی، نازیلا، "شروع در خانه، مبارزه زنان ایران برای حقوق"، نیویورک تایمز، 12 فوریه 2009
- <sup>14</sup> تیزدال، سیمون. "انتصاب اولین وزیر زن ایران در 30 سال"، گاردین، 3 سپتامبر 2009
- <sup>15</sup> چهار مرد ایرانی دو ملیته نیز دستگیر شدند شامل سیامک نمازی، باثر نمازی، رایین شاهینی، و کمال فروغی